

بررسی تأثیر حدوث اختلاف دین بین زوجین در ثبوت و سقوط وجوب نفقه زوجه از دیدگاه فقه مذاهب

فراست محمدی بلبان آباد^۱

امیر حمزه سالارزایی^۲

چکیده

فراهم آوردن مایحتاج روزانه و همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن، نفقه است. از دیدگاه فقها، نفقه با عقد و تمکین واجب می‌شود و عواملی مانند نشوز، فوت و طلاق باین و نیز حدوث اختلاف دین بین زوجین در سقوط و تزلزل مؤثر است. این پژوهش به بررسی تأثیر حدوث اختلاف دین بین زوجین بر نفقه زوجه از منظر فقه اسلامی، با روش توصیفی-تحلیلی پرداخته است. یافته‌ها عبارت است از اینکه در نظر مشهور با حدوث اختلاف دین- پذیرش اسلام از طرف یکی از زوجین غیر مسلمان یا مرتد شدن یکی از زوجین مسلمان- و عدم حصول اتفاق دین بین زوجین حداکثر تا پایان عده، جدایی حاصل شده و به تبع، نفقه نیز حتی در مدت عده ساقط است؛ مگر اینکه طرف مسلمان در این مسئله زوجه باشد که در این صورت در زمان عده نیز نفقه دارد. اما برخی فقها، حدوث اختلاف دین بین زوجین را در ابطال عقد نکاح و به تبع، سقوط نفقه بدون تأثیر و با وجود این اختلاف، به استمرار نکاح و ثبوت نفقه زوجه رأی داده‌اند. در نتیجه، با توجه به عموم و اطلاق ادله ثبوت نفقه زوجه و استصحاب زوجیت و احتباس با وجود حدوث اختلاف دین و معاوضی بودن عقد نکاح، مدعا این است که نفقه زوجه از هر دین و آیینی با وجود حدوث اختلاف دین بین زوجین تا فسخ کامل نکاح و پایان عده در طلاق رجعی ثابت باشد.

واژه‌های کلیدی: نفقه، زوجین، اختلاف دین، فقه مذاهب

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه سیستان و بلوچستان f.muhamadi@gmail.com

۲. استاد تمام گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) amir_hsalari@theo.usb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۸

مقدمه

نفقه تأمین هزینه‌های زندگی زن است که باید شوهر پس از عقد نکاح پرداخت کند و همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض را شامل می‌شود. فلسفه قرار دادن نفقه برای زن، استحکام خانواده و حمایت از زندگی مشترک است. زمانی زن مستحق نفقه خواهد بود که وظایف زناشویی را انجام دهد و اگر زن از این وظایف بدون دلیل امتناع کند، ناشزه محسوب می‌شود. فقهای اسلامی موجبات نفقه، یعنی عقد و تمکین و احتباس و نیز آنچه باعث از بین رفتن آن می‌شود، یعنی نشوز و فوت یکی از زوجین و طلاق بائن را در متون فقهی بیان کرده‌اند. از مباحثی که در میان آراء و اقوال فقها مؤثر بر نفقه زوجیت یافت می‌شود، حدوث اختلاف دین بین آن‌ها است؛ چرا که اختلاف دین در مواردی، از جمله اعمال احوال شخصیه افراد، سبب اختلاف تابعیت دینی می‌شود. به عبارت دیگر، اختلاف دین در مسائل احوال شخصیه با وجود اتحاد محل سکونت زوجین، اختلاف تابعیت دینی را به دنبال خواهد داشت؛ زیرا از لحاظ احکام مربوط به احوال شخصیه، مانند نکاح، ارث، وصیت و غیره، این اختلاف دین باعث می‌شود که هر کدام از زوجین در قلمرو حقوقی مربوط به آیین خود قرار گیرند و پیرو نظام‌های حقوقی متفاوت از هم شوند. عامل اصلی این اختلاف بنا بر نظر فقها، دین و آیینی است که زوجین از آن پیروی می‌کنند. البته ممکن است که زوجین هر دو ساکن و تابع کشور اسلامی یا اینکه ساکن کشور غیر اسلامی باشند؛ اما احکام احوال شخصیه آن‌ها تابع دینی است که اختیار کرده‌اند؛ چرا که در جغرافیای سیاسی اسلام، مرزها را اسلام و کفر تعیین می‌کند و هر شخصی هر کدام از این دو را انتخاب کند، پیروی قوانین و سیستم قضایی و حکومتی آن خواهد بود. از این رو، اگر زوجینی که پیرو یک آیین هستند، دچار این اختلاف شوند، زندگی مشترک آن‌ها را متأثر خواهد کرد؛ چرا که هر کدام احوال شخصیه متفاوتی دارد. در این تحقیق، تأثیر این اختلاف بر یکی از آثار عقد نکاح، یعنی نفقه، بررسی خواهد شد. بنا بر نظر مشهور فقها، اختلاف دین زوجین در ابتدا مانع از انعقاد عقد آن‌ها می‌شود و در استمرار نیز باعث ابطال نکاح است؛ اما اینکه در صورت وقوع چنین اختلافی، تأثیر آن بر نفقه چه خواهد بود، هدف از پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، دیدگاه فقهای اسلامی برای یافتن نظرات آن‌ها درباره تأثیر حدوث اختلاف دین بر نفقه زوجیت بررسی خواهد شد تا علاوه بر تبیین دیدگاه‌ها، در صورت

بروز چنین اختلافی بین زوجین، حقوق اسلامی موضع‌گیری خاص خود را اعلام کند و حتی الامکان سعی در ابقا و اثبات نفقه برای زوجه در چنین مسئله‌ای نماید. در آرای فقها اقوالی درباره تأثیر این اختلاف بر نکاح وجود دارد که به تبع تأثیر در نکاح، بر آثار نکاح که یکی از آن‌ها نفقه است، نیز اثر می‌گذارد. تنها صورت مجاز اختلاف دین در نکاح، زمانی است که یک مرد مسلمان با زنی از اهل کتاب ازدواج کند که زوجه در این صورت از تمام حقوق زوجیت برخوردار است. البته این مورد به قبل از نکاح مربوط است؛ اما مسئله پژوهش درباره زمانی است که اختلاف دین بعد از وقوع نکاح باشد. پرسش‌های تحقیق عبارت است از: آیا حدوث اختلاف دین بین زوجین بر نفقه زوجه تأثیر دارد؟ آیا این اختلاف نفقه زوجه را ساقط می‌کند؟ یا با وجود اختلاف، نفقه همچنان ثابت است؟ در عصر حاضر با پیشرفت صنعت و فناوری، تبادل اطلاعات سریع شده است و شاهد آگاهی روز افزون مردم نسبت به فرهنگ‌ها، دین‌ها و آیین‌های متفاوت از هم هستیم و این علم و آگاهی باعث ایجاد تغییر و تبدیل در آیین مردم شده است. گاهی این تبدیل و تغییر دین، بین زوجینی روی می‌دهد که در قید زوجیت هستند و این خود باعث می‌شود زوجینی که قبلاً پیرو یک دین و آیین بوده‌اند، دچار اختلاف دین و تابعیت سرزمینی شوند. این امر، نیز مستلزم پیاده کردن دو سیستم حقوقی متفاوت از هم است و بر زندگی مشترک زوجین، از جمله نکاح و آثار آن، یعنی نفقه تأثیر می‌گذارد. پس ضرورت ایجاب می‌کند که این مسئله به صورت تخصصی بررسی شود تا تکلیف نفقه نکاحی که با اختلاف دین زوجین رو به رو شده است، روشن شود. قابل بیان است که مطالب این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

۱. نفقه

نفقه در لغت به معنای هزینه و خرج هر روز است (دهخدا، ۱۳۷۴، ص ۶۷۳). در قاموس فقهی در ذیل واژه نفقه آمده است: «ما ینفقه الانسان علی عیاله. ما یفرض للزوجة علی زوجها من مال للطعام، والكساء، والسكنی، والحضانة، ونحوها» (ابوحیب، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۵۸)؛ پس آنچه انسان برای زن و فرزند از غذا، لباس، مسکن، محافظت و غیره خرج می‌کند و آنچه واجب است شوهر برای زن فراهم نماید، نفقه است. ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی نیز نفقه زوجه را شامل مسکن، البسه و غذا و اثاث بیت متعارف با وضعیت زوجه بیان کرده است. موجبات نفقه در فقه قرابت و زوجیت و مملوک بودن است (علامه حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۷۲).

۱-۱. عوامل و اسباب وجوب و سقوط نفقه زوجیت نزد فقها

الف. ثبوت نفقه: فقها با نکاح صحیح نفقه را برای زوجه ثابت می‌دانند و علت و ادله این ثبوت را قرآن، سنت، اجماع و عقل برمی‌شمردند. خداوند می‌فرماید: «لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُئْتِقْ يَمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا»؛ مرد دارا به وسعت و فراوانی نفقه زن شیرده دهد و آن که نادار و تنگ معیشت است، از آنچه خدا به او داده انفاق کند. که خدا هیچ کس را جز به مقدار آنچه (توانایی) داده تکلیف نمی‌کند، و خدا به زودی بعد هر سختی آسانی قرار دهد (طلاق، ۷)؛ «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»؛ البته آن کسی که خواهد فرزند را شیر تمام دهد؛ و به عهده صاحب فرزند است (یعنی پدر) که خوراک و لباس مادر را به حد متعارف بدهد (بقره، ۲۳۳)؛ «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ»؛ (زنانی که طلاق رجعی می‌دهید تا در عده‌اند) آنها را در همان منزل خویش که میسر شماست بنشانید و به ایشان (در نفقه و سکنی) آزار و زیان نرسانید (طلاق، ۶). و پیامبر ﷺ می‌فرماید: «اتقوا الله في النساء، فإنهن عوان عندكم، أخذتموهن بأمانة الله، واستحللتم فروجهن بكلمة الله، ولهن عليكم رزقهن وكسوتهن بالمعروف»؛ در مورد زنان تقوای خدا پیشه کنید، نزد شما هستند آن‌ها را امانت خداوند بدانید و بنا بر اذن خدا با آن‌ها ازدواج کنید و تهیه خوراک و پوشاک متعارف آن‌ها بر شماست» (بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۴۸۱). همچنین فقها بر وجوب نفقه بنا بر این ادله اجماع دارند و از لحاظ عقلی نیز چون زوجه به دلیل مطیع بودن برای همسرش از انجام کسب و کار برای امرار معاش و انفاق خویش معذور است؛ پس باید مورد انفاق زوج باشد (زحیلی، بی‌تا، ج ۹، ص ۷۳۷۲).

ب. اسباب وجوب: طبق آرای فقها، اسباب وجوب نفقه برای زوجه عقد، تمکین و احتباس است. در برخی از مذاهب، عقد و تمکین و در برخی دیگر، حبس و تمکین با هم یا به طور جدا عامل نفقه است. از نظر مشهور امامیه، نفقه با عقد دائم و تمکین کامل واجب می‌شود (نجفی، ۱۳۷۴، ج ۳۱، ص ۳۰۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۱۲، ص ۵۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۴۶۵). در قول قدیم شافعیه، نفقه با عقد واجب و با تمکین استقرار می‌یابد (مجمع من المؤلفین، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۳۷). نظر بیشتر ظاهریه این است که علت وجوب نفقه عقد است؛ در این صورت، منفعتی که زن باید در برابر نفقه بذل کند، وجود ندارد (ابن حزم، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۴۹). علت این امر نزد این گروه که با وجود عقد به نفقه حکم می‌کنند، این است که نفقه را از آثار عقد می‌دانند. برخی دیگر از فقها بر این باورند که نفقه واجب برای زن به دلیل امری زائد بر عقد است؛ زیرا عقد به تنهایی سبب

نفقه نیست؛ بلکه موجب مهریه است. حنفیه گفته‌اند نفقه در برابر احتباس (ابن نجیم، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۸۸) و تمکین (سرخی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۸۱) است. جمهور حنابله و مالکیه و قول جدید شافعیه بر این نظر هستند که نفقه در مقابل تمکین است (مجمع من المؤلفین، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۳۶). ادله نقلی و عقلی ثبوت نفقه محکم و متفق است؛ اما درباره اسباب ثبوت نفقه، تا حدی اختلاف نظر وجود دارد؛ به طوری که فقهای شیعه و سنی، عقد و تمکین و احتباس را سبب نفقه زوجه می‌دانند و هر گروه برای نظر خود دلایل مختصری را دارند؛ مثل اینکه نفقه از آثار عقد، یا امر زائد بر عقد، یا موجب استقرار امر است. اما به نظر می‌رسد که نفقه از آثار عقد است و با وقوع عقد نفقه واجب می‌شود؛ چرا که فقها در برخی از موارد بیان داشته‌اند که با عدم تمکین نیز نفقه همچنان پابرجا است، مانند زمانی که زوجه احرام حج بسته باشد یا صائمه باشد (فاضل هندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۱۲)؛ زیرا عقد با این موارد باطل نمی‌شود؛ پس تا زمانی که علقه زوجیت باقی است، پرداخت نفقه نیز واجب است. فقها حتی برای مطلقه رجعی نیز نفقه قائل هستند (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۹۲)؛ چرا که بنا بر اتفاق در طلاق رجعی علقه زوجیت به طور کامل از بین نمی‌رود و تا پایان عده همچنان زوجه محسوب می‌شود و نفقه همچنان پابرجا است (زحیلی، بی‌تا، ج ۹، ص ۷۲۰۳).

ج. اسباب سقوط: اما اموری مانند فوت یکی از زوجین، طلاق بائن، نشوز (جزیری، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۵۰۲) در سقوط نفقه تأثیر دارد. فقها علاوه بر موارد مذکور، حدوث اختلاف دین بین زوجین را در سقوط و تزلزل نفقه مؤثر دانسته‌اند که در ادامه، این آراء و اقوال بیان و تحلیل خواهد شد.

۲. حدوث اختلاف دین بین زوجین و تأثیر آن بر نفقه زوجه

با بررسی آرای فقها روشن است که بیشتر فقهای اهل سنت و امامیه، حدوث اختلاف دین بین زوجین را در نفقه زوجیت مؤثر دانسته و از عوامل سقوط نفقه زوجیت برشمرده‌اند. فقهای اسلامی برای این اختلاف و تقدم و تأخر زن و مرد در حدوث این اختلاف، تأثیر این تقدم و تأخر را ثبوت و سقوط نفقه، اقوالی را متذکر شده‌اند. اما برخی آرای دیگر اگر چه محدود، این اختلاف را بدون تأثیر در نفقه به شمار آورده‌اند. قابل توجه است که شاخص و معیار اختلاف دین موجود در آراء و اقوال، اسلام و کفر است، صور ممکن این اختلاف و تأثیر آن بر نفقه در نظرات فقها عبارت است از:

۲-۱. فقه‌های معتقد به سقوط نفقه با وجود اختلاف دین زوجین و دلیل آن‌ها

۲-۱-۱. مذهب امامیه

اگر مرد بت پرست مسلمان شود و زنش در عده یا بعد او مسلمان شود، نفقه خواهد داشت؛ ولی اگر زن مسلمان نشود، نفقه نخواهد داشت و اگر مسلمان شود، از زمان اسلامش نفقه به او تعلق می‌گیرد و برای زمانی که در شرک بوده، نفقه نخواهد داشت. اما اگر زن ذمی بود، در آن دوره نیز نفقه خواهد داشت؛ زیرا جایز است زوجه بماند، اگرچه بر کفر استمرار داشته باشد. اگر زوجه مسلمان بعد از نزدیکی مرتد شد، نفقه‌اش ساقط می‌شود، و اگر قبل از انقضای عده به اسلام بازگردد، از زمان اسلامش انفاق بر او واجب می‌شود؛ اما از زمان ارتداد - تا بازگشت به اسلام - نفقه ندارد (علامه حلی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۶). اگر زن مرتد حامله بود و قائل به نفقه برای خود او در زمان ارتدادش باشیم، انفاق ساقط می‌شود و اگر نفقه برای حمل باشد، اقرب ثبوت آن است. البته همراه با اشکال، همین حکم درباره زنی که شوهرش مسلمان شده و خودش در شرک حامله است، جاری است (همان، ص ۳۷). در تذکره آمده است: اگر زوجه مسلمان شود و این یا قبل از نزدیکی است یا بعد از آن، در صورت اخیر نفقه در دوران عده به او تعلق می‌گیرد. اگر زوجه مشرک باشد و در عده مسلمان شود، نفقه دوره شرک تا اسلام را نیز می‌گیرد و اگر بعد از انقضای عده مسلمان شود، نکاح فسخ می‌شود؛ اما نفقه عده را می‌گیرد؛ زیرا در عده برای شوهر محبوس بوده است. این حکم برای مواردی که زوجین کتابی هستند و زوجه مسلمان شود، نیز جاری است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۷).

اگر زوجین مجوسی یا وثنی باشند و یکی از آن مسلمان شود، یا قبل از نزدیکی است یا بعد از آن؛ اگر زوج مسلمان شد بدون زوجه، زوجه نفقه ندارد؛ زیرا تحریم از جانب اوست و با پذیرش اسلام می‌تواند این تحریم را بردارد؛ بنابراین نفقه ندارد (علامه حلی، بی تا، ج ۲، ص ۶۵۸). اگر مقرر باشد که تا زمانی که زن بر شرک بماند نفقه نداشته باشد و تا پایان عده مسلمان نشود، نفقه ندارد و اگر قبل از انقضای عده مسلمان شد، ابتدائاً به او نفقه تعلق می‌گیرد؛ زیرا با همان عقد نکاح زندگی می‌کنند؛ اما نفقه دوران شرک بنا بر قول صحیح به او داده نمی‌شود، چرا که مقام شرک از نشوز بالاتر است، به دلیل آنکه در نشوز زن بر مرد حرام نمی‌شود؛ اما در شرک حرام می‌شود، با این وجود ناشزه نفقه ندارد، پس به طریق اولی مشرک نفقه نخواهد داشت. اگر زوجین مسلمان باشند و زوجه مرتد شود، اگر قبل از نزدیکی باشد، مهر او ساقط می‌شود؛ زیرا فسخ از جانب او بوده است و اگر بعد از نزدیکی

باشد، موقوف به انقضای عده است و تا زمانی که در عده است، به او نفقه داده نمی‌شود و اگر بعد از انقضای عده به اسلام بازگردد، چیزی از نفقه نخواهد داشت و اگر قبل از انقضای عده باشد، با همان نکاح اولی با هم زندگی می‌کنند و نفقه از زمان اسلامش به او تعلق می‌گیرد؛ اما نفقه دوران ارتداد به او تعلق نمی‌گیرد. حتی اگر زوج غائب باشد در بازگشت زوجه به اسلام باز نفقه به او تعلق می‌گیرد؛ زیرا علت سقوط آن رده بوده و رده نیز زائل شده است (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۸). اگر مردی چند زن داشت و زن‌ها مسلمان شدند و به آنها نفقه نداد، زن‌ها می‌توانند نفقه حاضر و گذشته را از او مطالبه کنند؛ چه مرد مسلمان شده باشد، چه بر کفر باشد؛ ولی اگر تنها مرد مسلمان شد و زن‌ها بر کفر بودند، به دلیل منع استمتاع لازم نیست نفقه پرداخت کند (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۴۳).

۲-۱-۲. فقهای اهل سنت

الف. مالکیه: زوجه کافری که همسرش قبل از او مسلمان شده، نفقه ندارد؛ زیرا مانع که تأخیر اسلام باشد از جانب زن است و در این مدت مرد از او استمتاع نمی‌برد و نفقه در مقابل استمتاع است. کلام مؤلف مقید به غیر حامل است مطلقاً (مالکی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۲۷).

ب. شافعیه: اگر زوجه مسلمان شود و زوج کافر بماند، اگر قبل از نزدیکی باشد، زوجه نفقه نخواهد داشت؛ زیرا جدایی ما بین آن‌ها واقع شده است و اگر بعد از نزدیکی باشد، نکاح موقوف بر اسلام زوج در عده است و در عده زوجه بر زوج نفقه دارد؛ زیرا عذر استمتاع از جانب زوج به دلیل امتناع از پذیرش اسلام است و با این نفقه سقوط نمی‌کند، همان طور که اگر زوج غائب شود، نفقه ساقط نمی‌شود. اگر قبل از اسلام زوج عده تمام شود، بینونت حاصل شده و نفقه ساقط می‌شود. اگر زوج مسلمان شود و زوجه وثنی یا مجوسی باشد، اگر قبل از نزدیکی باشد، جدایی بین آن‌ها حاصل می‌شود و نفقه نخواهد داشت و اگر بعد از نزدیکی باشد، نکاح موقوف بر اسلام زوجه قبل از انقضای عده است و تا زمانی که مسلمان نشده باشد، در مدت عده هم نفقه ندارد؛ زیرا به واسطه معصیت، یعنی ماندن بر کفر از استمتاع منع شده است و در این حالت مانند ناشزه است و اگر قبل از اسلام عده‌اش منقضی شد، بنا بر اختلاف دین بین‌شان بینونت حاصل می‌شود و نفقه‌ای به او تعلق نمی‌گیرد؛ ولی اگر قبل از انقضای عده مسلمان شد، از زمان اسلامش نفقه بر او واجب می‌شود و بر زوجیت باقی خواهد بود (عمرانی، ۱۴۲۱، ج ۱۱، ص ۱۹۸-۱۹۹).

ج. حنفیه: اگر زن کافر باشد و مرد مسلمان شود، زن نفقه نخواهد داشت؛ زیرا مانع از طرف

زوجه است (ابن نجیم، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۲۸).

د. حنبلی: با رده زوجه، نفقه دوره عده ساقط می‌شود؛ زیرا راهی برای زوج در جبران نکاح (رجوع) نیست؛ پس برای زوجه نفقه‌ای نیست و اگر زوج مرتد شد، زن در دوره عده نفقه خواهد داشت؛ زیرا با برگشت مرد به اسلام امکان رجوع به نکاح وجود دارد (بیهوتی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۹۱). ابن قدامه آورده است:

اگر مرد به زنش بگوید که قبل از تو مسلمان شدم پس نفقه به تو تعلق نمی‌گیرد و زن بگوید که قبل از تو مسلمان شدم، دو قول وجود دارد: الف. قول زن پذیرفته می‌شود؛ زیرا اصل وجوب نفقه است؛ ب. قول مرد پذیرفته می‌شود؛ زیرا نفقه با تمکین از استمتاع ثابت می‌شود و اصل عدم وجوب آن است (ابن قدامه، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۵۰). اگر زوجه کافر بعد از نزدیکی مسلمان شود، در زمان عده نفقه خواهد داشت؛ زیرا - پذیرش - اسلام بر او واجب است (و مانع نفقه نیست)، مانند احرام واجب برای حج در زمانش است که مانع از نفقه نیست. اگر مرد بدون زن مسلمان شود و زن غیر کتابی بود، نفقه ندارد؛ زیرا با عدم اسلام و ماندن بر کفر مانع استمتاع مرد شده است و اگر زن مسلمان مرتد شد، نفقه نخواهد داشت؛ ولی اگر مرد مرتد شد، باید نفقه بپردازد؛ زیرا عامل مانع، ارتداد او است. اگر زن مرتد به اسلام بازگردد، از زمان بازگشتش مستحق نفقه می‌شود، هر چند شوهرش غائب باشد؛ زیرا سقوط نفقه به دلیل ارتدادش بوده و با زوال ارتداد نفقه باز خواهد گشت (همان، ص ۲۲۸).

۲-۲. فقه‌های معتقد به عدم سقوط نفقه با وجود اختلاف دین زوجین و دلیل آن‌ها

۱-۲-۲. امامیه

یکی از موجبات نفقه، زوجیت است. اگر زوجیت با عقد دائم و به شرط تمکین زوجه برای زوج و استمتاع باشد و عدم نشوز با بد گفتاری و خروج بدون اذن شوهر از خانه باشد، به او نفقه تعلق می‌گیرد و فرقی میان زوجه آزاد و برده و مسلمان و کافر در انفاق نیست، مبنی بر اینکه ازدواج دائم با زن کافر کتابی جایز است و مرد باید همه شئون زوجه از غذا، پوشش، خانه، خدمه و وسایل تزیین و بهداشتی را فراهم کند (انصاری، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۲۷). نفقه زوجه با عقد دائم بر زن آزاد و کنیز مسلمان یا کافر به شرط تمکین کامل در هر مکان و زمانی واجب است (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۴۲). اگر زوجه مدخوله کافر مرتد شود، در دوران عده نفقه دارد؛ زیرا در حکم زوجه است (فاضل هندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۱۲).

۲-۲-۲. اهل سنت

نفقة زوجه چه مسلمان باشد و چه کافر، با نکاح صحیح واجب می شود (زحیلی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۳۵۴). اگر زن در منزل مرد تسلیم او شود، نفقه اش بر مرد واجب می شود، چه زن مسلمان باشد یا کافر، نفقه و پوشش و مسکن، به نسبت اوضاع مالی و بنا بر مؤسر یا معسر بودن زوج برای زوجه واجب می شود (انصاری خزرجی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۲). در الاقناع آمده است: «زوج به آنچه برای مثل زوجه - از انفاق باید باشد - ملزم است، حتی اگر زوجه ذمی باشد» (حجاوی، بی تا، ج ۴، ص ۱۳۶).

۳. تحلیل و ترجیح

نفقه زوجه، از جمله حقوقی است که با عقد نکاح برای زوجه به واسطه ادله نقلی و عقلی ثابت می شود و عواملی مانع از ثبوت آن می شود، از جمله ایجاد اختلاف دین بین زوجین. آرای فقهای اسلامی در این مسئله بیانگر دو دیدگاه متفاوت است: دیدگاه غالب و مشهور قائل به سقوط نفقه در این مسئله است و دیدگاه دیگر آن را ثابت می داند. با توجه به آرای مذکور می توان سه حالت برای این مسئله قائل بود:

الف. زوج مقدم بر زوجه مسلمان شود و زوجه کافر باشد، که به اتفاق آرای مذکور، نفقه زوجه ساقط می شود و تا پایان عده فرصت مسلمان شدن و ثبوت مجدد نفقه را دارد.

ب. زوجه مسلمان و زوج غیر مسلمان باشد، که در این صورت نیز بنا بر اتفاق آراء زوجه تا پایان مدت عده مستحق نفقه است؛ بر مبنای این دلیل که نافرمانی (عدم پذیرش اسلام) از جانب زوج بوده، به همین دلیل نفقه همچنان برای زوجه ثابت است.

ج. یکی از زوجین مرتد شود، اگر زوج مرتد شد، همچنان زوجه مستحق نفقه است؛ زیرا مانع از جانب زوج است. اگر زوجه مرتد شد، بنا بر اتفاق آراء نفقه او ساقط است، مگر اینکه در زمان عده به اسلام باز گردد.

عمده دلیل نظر غالب بر سقوط نفقه، منع استمتاع از زوجه و حبس است. قابل توجه آنکه فقها برای اسقاط نفقه به خاطر منع استمتاع دلیل روایی و نقلی و اجماعی نیاورده اند و می توان گفت که احتمالاً بر اساس استنباط عقلی از فسخ نکاح با حدوث اختلاف دین بین زوجین به دست آورده باشند. گروه مقابل، اختلاف دین زوجین را مؤثر در نفقه ندانسته اند و صرف وجود نکاح صحیح و در برخی نظرات تمکین، نفقه را برای زوجه واجب دانسته اند و صراحتاً تأثیر اسلام و کفر

زوجه را در این مسئله نفی نموده‌اند، اگر چه این گروه نیز دلیل روایی خاصی برای نظر خود بیان نکرده‌اند. با وجود این تفاوت بین آراء می‌توان گفت در زمینه مسئله مورد بحث اجماعی وجود ندارد. در ادامه این بحث، نظر غالب و مشهور مورد مناقشه قرار می‌گیرد و برای ترجیح نظر خلاف مشهور در ثبوت نفقه برای زوجه ادله‌ای آورده می‌شود.

۳-۱. دلایل و مویدات ثبوت نفقه با وجود حدوث اختلاف

۳-۱-۱. استمرار اصل نکاح

همان گونه که بیان شد، علت مهم اسقاط نفقه، منع استمتاع است و فقها این منع استمتاع را از فسخ و بطلان نکاح به واسطه با حدوث اختلاف دین بین زوجین استنباط کرده‌اند. در فقه اسلامی درباره تأثیر حدوث اختلاف دین بین زوجین دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: رأی مشهور بر این است که حدوث اختلاف دین بین زوجین، ناسخ و مبطل نکاح است و با وجود آن بین زوجین بینونت است. ادله فقها برای ابطال و فسخ نکاحی که دچار اختلاف دین زوجین است، عبارت است از:

الف. قرآن کریم: «وَلَا تَنْكُحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ»؛ و با زنان مشرک ازدواج مکنید، مگر آنکه ایمان آورند (بقره، ۲۲۱)؛ «وَلَا تُنْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ»؛ و هرگز متوسل به حفاظت (و عقد و پیمان) زنان کافر نشوید (ممتحنه، ۱۰).

ب. روایات: امیرمؤمنان علیه السلام به شوهر زن مجوسی‌ای که قبل از نزدیکی، زن مسلمان شده بود، گفت: «أَسْلَمَ فَأَبَى زَوْجَهَا أَنْ يَسْلَمَ، فَقَضَىٰ لَهَا عَلَيْهِ نَصْفَ الصَّدَاقِ، وَقَالَ: لَمْ يَزِدْهَا إِلَّا عِزًّا؛ اسلام بیاور اما شوهرش رویگردان شد، پس به نصف مهریه برای زن حکم کرد و گفت: اسلام بر عزت و بزرگی زن افزود» (حرعاملی، ۱۳۹۱، ج ۱۴، ص ۴۲۲)، سپس ایشان بین آن‌ها جدایی افکند و نیز روایت: «إِذَا أَسْلَمَتِ امْرَأَةٌ زَوْجَهَا عَلَىٰ غَيْرِ الْإِسْلَامِ فَرَقَ بَيْنَهُمَا؛ هر گاه زنی اسلام را پذیرفت و شوهرش غیر مسلمان بود، بین آن‌ها جدایی حاصل می‌شود» (همان) و همچنین امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نموده است: «المرء علی دین خلیله و قرینه؛ انسان بر دین دوست و رفیقش است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۴۲). انسان هم‌کیش دوست و رفیق خویش است و با توجه به اینکه زوجین دوست و رفیقند ممکن است همسر مسلمان از آیین و دین خود دست برداشته و به دین و آیین همسر غیر مسلمان در آید؛ پس با فسخ نکاح آن‌ها این امکان نیز منتفی است.

فقه‌ها برای حل این اختلاف به اندازه عده فرصت داده‌اند تا زوجین از لحاظ دینی اتفاق پیدا کنند و اختلاف آن‌ها از بین برود (نجفی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۹-۵۰؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۳۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۶-۳۷؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۳۸؛ سرخسی، ۱۹۷۱، ج ۵، ص ۵۶؛ نیاوردی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۲۶۶؛ اصبحی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۱۳؛ شیبانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۰۹-۳۱۰). به تبع آن، نفقه نیز که از آثار نکاح است، ساقط می‌شود. همچنین طبق آرای مذکور، نفقه حتی در دوران عده نیز ساقط است؛ مگر اینکه در این واقعه زوجه مسلمان و زوج کافر باشد که با این وجود، همچنان زوجه مستحق نفقه است. تنها مورد استثنا در این باره صورتی است که زوجه ذمی باشد و شوهرش مسلمان شود که در این حالت، زوجه باز هم مستحق نفقه است؛ چرا که ذمی بودن زوجه در صورتی که اهل کتاب باشد، مانع ازدواج نیست و نیز باعث اختلاف دارین نمی‌شود و شخص ذمی تحت لوای اسلام و جزء دارالاسلام محسوب می‌شود. در تحریر/الأحكام آمده است: «اما اگر زن ذمی بود، در آن دوره نیز نفقه خواهد داشت؛ زیرا جایز است زوجه بماند، اگر چه بر کفر استمرار داشته باشد» (علامه حلی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۶). پس زوجه ذمی، نکاحش صحیح و نفقه‌اش ثابت است؛ اگر چه زوج او مسلمان شود.

دیدگاه دوم: رأی خلاف مشهور است که بر خلاف نظر غالب و مشهور فقها، حدوث اختلاف دین بین زوجین را فاسخ نکاح نمی‌داند. در این باره آمده است: «قول به اینکه به مجرد اسلام یکی از زوجین مشرک (کافر) بین آن‌ها فرقت حاصل می‌شود، در نهایت ضعف است و مخالف شریعت اسلام است» (جوزیه، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۶۸۹؛ حرانی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۱۸۲). اختلاف دین زوجین بعد از اصابت باعث فسخ نکاح نمی‌شود، مانند اسلام آوردن زن کافر که تحت نکاح مرد کافر است (بهوتی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۹۱). نباید در ارتداد رأی به مفارقت فوری زوجین داد؛ زیرا خلاف سنت رسول خدا ﷺ است (جوزیه، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۶۹۵). داود بن علی می‌گوید: «اگر زن ذمی اسلام آورد و شوهرش اسلام نیاورد، زن نزد مرد می‌ماند؛ ولی مرد با او نزدیکی نکند. منظور و هدف فقها این است که عصمت در این نکاح باقی است و نفقه و سکنی برای زن واجب است؛ ولی مرد حق نزدیکی با زن را ندارد» (همان، ص ۶۴۷). دلایل این گروه بر ادعای عدم فسخ عبارت است از:

الف. مصلحت ملزومه و عمل صحابه است. در برخی از امور مصالحی وجود دارد که وادارکننده به انجام کار است؛ به طوری که اگر انجام نشود، ضرری بزرگ دامنگیر شخص یا جامعه می‌شود. از طرفی، در بسیاری از موارد، عمل صحابه بزرگوار ملاک و معیار برای صدور احکام می‌شود. در

این باره آمده است که به وسیله علی علیه السلام، معاذ و ابوموسی، افراد زیادی مسلمان شدند و مردان و زنان زیادی قبل از همسرانشان مسلمان شدند و به کسی نگفتند باید تو و زنت هم زمان اسلام بیاورید؛ وگرنه نکاحتان فسخ می‌شود، و بین کسی که با زنش یا بدون زنش مسلمان شد، جدایی نینداختند و نیز آن را محدود به سه پاکی بعد از حیض نکردند تا بعد آن نکاح را فسخ کنند (همان، ص ۶۹۳).

ب. روایتی نظیر «وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا - قَالَ: رَدَّ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - ابْنَتَهُ زَيْنَبَ عَلَى أَبِي الْعَاصِ بْنِ الرَّبِيعِ بَعْدَ سِتِّ سِنِينَ بِالنِّكَاحِ الْأَوَّلِ، وَلَمْ يَخْذُ نِكَاحًا»، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دخترش را که از مکه به مدینه آمده بود، بعد از شش سال با همان نکاح اولی پیش ابوالعاص برگرداند (صنعانی، بی تا، ج ۲، ص ۱۹۵).

ج. از طرف دیگر، دین اسلام دین آسان‌گیری است: «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»؛ و در مقام تکلیف بر شما مشقت و رنج ننهاده است (حج، ۷۸). دین اسلام به مسلمان‌ها توصیه دارد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِهُمْ بِالنِّكَاحِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ (ای رسول ما خلق را) به حکمت (و برهان) و موعظه نیکو به راه خدایت دعوت کن و با بهترین طریق با اهل جدل مناظره کن (وظیفه تو بیش از این نیست) (نحل، ۱۲۵). از این آیه مبارکه «وَجَادِهُمْ بِالنِّكَاحِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، عدم رأی به فسخ سریع و ایجاد فرصت برای تصمیم‌گیری صحیح زوجین در این باره برداشت می‌شود.

د. امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان نموده‌اند: «هر شخصی بر دین دوست و همراهش است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۴۲) افراد هم‌آیین، دوستان و نزدیکان خویش است و چون زوجین دوست و رفیقند، امکان دارد از دین و آیین خود برگشته و به دین و آیین همسر در آیند. طبق این حدیث امکان رجوع زوجین به آیین دیگری وجود دارد؛ پس اگر شخصی که مسلمان شده است در تعریف و اعمال درست آیین اسلام برآید، بعید نیست که طرف غیر مسلمان را به اسلام جذب کند. همچنین خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که همواره بخش قابل توجهی از اشتغالات فکری انسان را به خود اختصاص می‌دهد. در دین مبین اسلام نیز خانواده جایگاه والایی دارد و اصل و اساس جامعه و مهم‌ترین وسیله جهت اصلاح جامعه است. طلاق و جدایی، یکی از غامض‌ترین پدیده‌های اجتماعی است و نمی‌توان آثار سوئی را که جدایی بر فرد و خانواده و اجتماع می‌گذارد، نادیده گرفت (رک. محمدی بلبان آباد و سالارزایی، ۱۳۹۷).

پس بنا بر رأی اخیر، حدوث اختلاف دین بین زوجین باعث فسخ و بطلان نکاح آن‌ها نمی‌شود و چون نکاح باطل نمی‌شود؛ پس آثار آن نیز بر جای خواهد بود و می‌توان نفقه را برای زوجه ثابت دانست و امتیاز و استحقاق نفقه را صرفاً برای طرفی که مسلمان شده است قائل نبود؛ همان طور که برخی از فقها نیز به آن رأی داده‌اند (جوزیه، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۶۴۷). همچنین بعضی از فقها عامل وجوب نفقه را صرفاً عقد نکاح دانسته‌اند (ابن حزم، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۴۹). اگر با حدوث اختلاف دین، همچنان عقد باقی باشد، طبق نظر اخیر، آثار آن و از جمله نفقه نیز باقی خواهد بود. قابل توجه آنکه در حدوث اختلاف دین زوجه غیر مسلمان نیز مانند زوجه مسلمان، همچنان تا پایان عده در احتباس عقد نکاح خود باقی می‌ماند و همان گونه که بیان شد، احتباس نیز از عوامل وجوب نفقه است (ابن نجیم، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۸۸)؛ پس به موجب این احتباس مستحق نفقه خواهد بود و زوجه پیرو هر دین و آیینی باشد، در این امر فرقی ندارد و باید نفقه دریافت کند.

۳-۱-۲. عموم و اطلاق ادله اثبات نفقه

با توجه به اقتضای عموم ادله وجوب نفقه مانند آیه: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»؛ و به عهده صاحب فرزند است (یعنی پدر) که خوراک و لباس مادر را به حد متعارف بدهد (بقره، ۲۳۳) و آیات: ۲۲۸ بقره، ۷ طلاق، ۳ و ۱۹ و ۳۴ نساء و نیز روایت: «وَلَهُنَّ عَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ فراهم کردن خوراک و لباس متعارف همسرانتان بر شماست» (قشیری، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۴۰۵؛ حرعاملی، ۱۳۹۱، ج ۱۵، باب ۱، ۴، ۶ و ۸ از ابواب نفقات) و سایر روایات مثبت نفقه، نفقه برای زوجه تحت هر دین و آیین و سیستم حقوقی‌ای که باشد، ثابت است.

۳-۱-۳. اجماع و استسلام فقها

وجوب نفقه زوجه با قرآن، سنت، اجماع و عقل ثابت شده است و فقها متفق هستند که نفقه زوجه چه مسلمان باشد و چه کافر، با نکاح صحیح واجب می‌شود (زحیلی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۷۳۵۴). اگر زن در منزل مرد تسلیم او شود، نفقه‌اش بر مرد واجب می‌شود، چه زن مسلمان باشد یا کافر (انصاری خزرجی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۲). زوج به آنچه برای مثل زوجه -از انفاق باید باشد- ملزم است؛ حتی اگر زوجه ذمی باشد (حجاوی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۳۶). یکی از موجبات نفقه زوجیت است، فرقی میان زوجه آزاد و برده و نیز مسلمان و کافر در انفاق نیست، مبنی بر اینکه ازدواج دائم با زن کافر کتابی جایز است و مرد باید همه شئون زوجه از غذا، پوشش، خانه، خدمه و وسایل تزئینی

و بهداشتی را فراهم کند (انصاری، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۲۷). نفقه زوجه با عقد دائم چه زن آزاد و کنیز مسلمان یا کافر به شرط تمکین کامل در هر مکان و زمانی واجب است (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۴۲). اگر چه نظرات مذکور در بخش تأثیر اختلاف دین بر نفقه بیانگر غالب آراء بر سقوط نفقه بود؛ اما در رابطه با ثبوت نفقه، حتی با اختلاف دین زوجین نیز آرای موافقی وجود دارد؛ بنابراین، اتفاق و اجماع بر سقوط نفقه تعدی و محصل نیست؛ زیرا اگر این گونه بود، نظر مخالف یافت نمی‌شد و صرفاً اجماع منقول و مدرک وجود داشت. همچنین دلایل اثبات نفقه به آیه و حدیث مستند است که هر دو اولی بر اجماع هستند.

۴-۱-۳. استصحاب زوجیت با حدوث اختلاف دین ما بین زوجین

در کشف اللثام آمده است: «نفقه بر مطلقه رجعی بنا بر نص و اجماع واجب است؛ زیرا در حکم زوجه است... و به منزله زوجه متمکن است و هر وقت خواست می‌تواند به او رجوع کند و حکم زوجیت همچنان باقی است، هر چند به خاطر مانع، رجوع ممتنع است؛ همان طور که نفقه بر زوجه صائمه و محرم با وجود مانع استمتاع به خاطر اطلاق نص از او واجب است. زوجه مدخوله اگر کافر مرتد شود، در دوران عده نفقه دارد؛ زیرا در حکم زوجه است» (فاضل هندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۱۲). بنابراین، صرف عدم استمتاع باعث اسقاط نفقه نمی‌شود، آن طوری که بسیاری از فقها سقوط نفقه را به دلیل عدم استمتاع بیان کرده‌اند (عمرانی، ۱۴۲۱، ج ۱۱، ص ۱۹۹-۱۹۸؛ ابن قدامه، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۵۰، محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۴۳).

۵-۱-۳. معاوضی بودن عقد نکاح

اگر نکاح زن کتابی در ادامه را جایز بدانیم - یکی از زوجین مسلمان شود و دیگری کتابی - یا اینکه زوج کتابی مسلمان شود، زوجه کتابی در نفقه، مهر، طلاق، سکنی و احکام ایلاء، مانند زوجه مسلمان است و همه حقوق زوجیت به او تعلق می‌گیرد؛ زیرا نکاح عقد معاوضه است و مانند بیع و اجاره، مسلمان و کافر مساوی هستند و به خاطر عموم دلایل این حق، مانند زوجه مسلمان، شامل زوجه کافر نیز می‌شود (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۳۹۲).

۶-۱-۳. قرار دادن اختلاف دین، از جمله موارد نشوز

حتی اگر اختلاف دین را به دلیل منع استمتاع از مصادیق نشوز بدانیم؛ همان طور که در برخی آرای فقها نیز همانندسازی شده است (عمرانی، ۱۴۲۱، ج ۱۱، ص ۱۹۸؛ شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۸)، نظرانی مبنی بر عدم سقوط نفقه در دوران نشوز هم وجود دارد. به طور کلی، فقها درباره لزوم نفقه

زن در حال نشوز از مسئولیت‌های عقد نکاح، سه رأی دارند:

الف. جمهور بر این نظرند که اگر زن نشوز کرد، نفقه ندارد (مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۲ ص ۳۸۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۹۵؛ مکی عاملی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۳۰۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۵۸؛ نجفی، ۱۳۷۴، ج ۳۱، ص ۵۸؛ لنکرانی، مسأله ۲۴۸۰؛ مکارم شیرازی، مسأله ۲۰۶۳؛ ابن نجیم، بی تا، ج ۴، ص ۱۹۵؛ ابن عابدین، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۶۳۴؛ شیرازی، بی تا، ج ۲، ص ۲۰۶؛ مرداوی، بی تا، ج ۲۳، ص ۳۵۸).

ب. تنصیف نفقه با تبعیض نشوز است. در کتاب تحریر الأحکام آمده است: «لوشرت بعض یوم سقطت نفقة البعض لا جمیعہ؛ اگر مقداری از روز را نافرمانی کرد، نفقه همان مقدار ساقط می‌شود، نه همه روز (علامه حلی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۸)؛ نشوز باعث سقوط نفقه نمی‌شود؛ بلکه با وجود نشوز همچنان نفقه برای زن واجب است. این نظر برخی از فقها، مانند ابن حزم (بی تا، ج ۹، ص ۲۴۹) و بعضی از مالکیه با این استناد است که حدیث «ولهن علیکم رزقهن وکسوتهن بالمعروف» (قشیری، بی تا، ج ۲، ص ۸۸۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۴۰۵) افاده عموم می‌کند و ناشز و غیر ناشز را در برمی‌گیرد (قرطبی، ۲۰۰۴، ج ۳، ص ۷۷). روشن است که درباره سقوط نفقه با نشوز نیز فقها اتفاق نظر ندارند و اجماع محصل در این باره وجود ندارد.

ج. بنا بر نظر سوم، با وجود نشوز هم نفقه ساقط نمی‌شود و به ادله روایی استناد شده است و با نظر اول در تعارض کامل است. بنای اختلاف در مسئله این است که وجوب نفقه به سبب عقد باشد یا با تمکین، به این صورت که اگر وجوب نفقه با عقد باشد، نشوز در آن تأثیری ندارد و با وجود نشوز از طرف زوج یا زوجه، نفقه همچنان باقی است.

رأی راجح در زمینه مسئله محوری تحقیق، ثبوت نفقه برای زوجه‌ای است که نکاح او با اختلاف دین زوجین مواجه شده است، اگر چه رأی غالب در متون فقهی مبنی بر اسقاط نفقه در این باره است؛ اما بنا بر بررسی صورت گرفته، ادله قوی و محکم نقلی و عقلی در زمینه آرای مخالف و حتی موافق نیز وجود ندارد. شاید این گونه استنباط شود که فقها در سقوط نفقه دلیل معتبری که علم بر آن نداریم، داشته‌اند که این نیز قابل پذیرش نیست و نمی‌توان به آن اسناد داد. همچنین برای اثبات وجوب نفقه ادله نقلی و روایی (بقره، ۲۳۳؛ طلاق، ۶) و اجماعی (زحیلی، بی تا، ج ۱۰، ص ۷۳) وجود دارد که وجوب نفقه را برای زوجه با دین مختلف نیز ثابت می‌گرداند؛ چرا که ادله هم وزن این وجوب برای اسقاط و عدم وجوب نفقه چنین زوجی نداریم و صرف اینکه فقهای پیشین بر آن رأی -اسقاط نفقه- بوده‌اند، مستلزم متابعت نیست. همچنین اگر مبنای

رأی فقها در اسقاط نفقه، فسخ و ابطال عقد نکاح با وجود اختلاف دین بین زوجین باشد، نظر فقها در این مسئله نیز مورد بررسی و مناقشه قرار گرفت و عدم فسخ نکاح حاصل شد و به تبع عدم اسقاط نفقه نیز به دست می‌آید.

نتیجه‌گیری

- الف. نفقه زوجه بنا بر نظرات فقها به وسیله عقد نکاح و تمکین و احتباس برای زوجه بر زوج واجب می‌شود و عوامل سقوط آن نشوز، طلاق و فوت یکی از زوجین بیان شده است.
- ب. در میان آرای فقها و متون فقهی، حدوث اختلاف دین بین زوجین از عوامل اسقاط‌کننده نفقه بیان شده است و بیشتر فقها با وجود آن، نفقه را ثابت نمی‌دانند.
- ج. برخی از فقها، حدوث اختلاف دار بین زوجین را بی‌تأثیر بر عقد نکاح و به تبع آن، نفقه می‌دانند.
- د. با توجه به عموم و اطلاق ادله اثبات نفقه و اجماع فقها و معاوضی بودن عقد نکاح و استصحاب زوجیت با وجود اختلاف دین، نفقه در نکاحی که زوجین دچار اختلاف دین شده است تا ابطال یا زوال کامل نکاح، ثابت و محقق است.

فهرست منابع

*قرآن کریم.

۱. ابن حزم، أبو محمد علی بن أحمد بن سعید (بی تا)، *المحلی بالآثار*، بیروت: دار الفکر.
۲. ابن عابدين، محمد أمين بن عمر (۱۴۱۲ق)، *ردالمحتار علی الدر المختار*، الطبعة الثانية، بیروت: دار الفکر.
۳. ابن قدامة، عبدالله (۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م)، *الکافی فی فقه الإمام المبحل أحمد بن حنبل*، الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴. ابن نجیم، زین الدین بن إبراهيم بن محمد (بی تا)، *البحر الرائق شرح کنز الدقائق و بالحاشیة: منحة الخالق لابن عابدين*، بیروت: دارالکتب الإسلامی.
۵. أبو حبيب، سعدی (۱۴۰۸ق)، *القاموس الفقهي*، الطبعة الثانية، دمشق: دار الفکر.
۶. اصبحی مدنی، مالک بن أنس بن مالک بن عامر (۱۴۱۵ق)، *المدونة*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۷. الأنصاري الخزرجي المنبجي، جمال الدين أبو محمد علي (۱۴۱۴ق)، *اللباب في الجمع بين السنة والكتاب*، المحقق: د. محمد فضل عبد العزيز المراد، الطبعة الثانية، بیروت: دار القلم.
۸. انصاری، مرتضی (بی تا)، *مکاسب*، قم: مؤسسة دارالكتاب للطباعة و النشر.
۹. البهوتي الحنبلي، منصور بن يونس (۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م)، *دقائق أولى النهي لشرح المنتهى المعروف بشرح منتهى الإرادات*، الطبعة الأولى، قاهره: عالم الكتب.
۱۰. البيهقي، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي بن موسى (۱۴۲۴ق)، *السنن الكبرى*، چاپ دوم، بیروت - دارالکتب العلمیة.
۱۱. جزیری، عبد الرحمن بن محمد عوض (۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م)، *الفقه على المذاهب الأربعة*، الطبعة الثانية، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۲. جمعی از نویسندگان (۱۹۹۸م)، *موجز دائرة المعارف الإسلامية*، امارات: مركز الشارقة للإبداع الفکری.
۱۳. جوزية، محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم (۱۴۱۸ق)، *احکام أهل الذمة*، سوریه دمام: رمادی للنشر.
۱۴. الحجاوی، شرف الدين موسى بن أحمد بن موسى (بی تا)، *الإقناع فی فقه الإمام أحمد بن حنبل*، المحقق: عبد اللطيف محمد موسى السبيكي، بیروت الناشر: دار المعرفة.
۱۵. حرانی، تقی الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحليم ابن تيمية (۱۴۱۸ق)، *المستدرک علی مجموع فتاوى شيخ الإسلام*، مکه مکرمه: نشر محمد بن عبد الرحمن بن قاسم.
۱۶. حُرعاملي، محمد بن حسن (۱۳۹۱)، *وسائل الشيعة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. حلی (علامه)، حسن بن يوسف بن علی بن مطهر (۱۳۷۸)، *تحریر الأحکام الشرعية علی مذهب الإمامیة*، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۸. _____ (۱۴۱۳ق)، *قواعد الأحکام*، قم: مؤسسه نشر اسلامي.
۱۹. _____ (بی تا)، *تذکره الفقهاء*، قم: منشورات المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفرية.

۲۰. حلی (محقق)، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، *شرايع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۴)، *لغت نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. زحیلی، وهبه (بی تا)، *الفقه الإسلامی وأدلته*، دمشق: دار الفکر.
۲۳. سرخسی، محمد بن أحمد بن أبی سهل (۱۴۱۴ق)، *المبسوط*، بیروت: دارالمعرفة.
۲۴. _____ (۱۹۷۱م)، *شرح السیر الکبیر*، قاهره: صلاح الدین منجد.
۲۵. شیبانی، أبو عبد الله محمد بن الحسن (۱۴۰۶ق)، *الجامع الصغير وشرحه النافع الكبير*، قاهره: عالم الكتب.
۲۶. شیرازی، ابو اسحاق ابراهیم (بی تا)، *المذهب فی فقه الإمام الشافعی*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۷. صنعانی، محمد بن إسماعیل بن صلاح بن محمد حسنی الکحلانی (بی تا)، *سبل السلام*، مصر: دارالحديث.
۲۸. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷)، *المبسوط فی الفقه الامامیه*، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۲۹. العمرانی الیمنی، أبو الحسین یحیی بن أبی الخیر بن سالم الشافعی (۱۴۲۱ق/۲۰۰۰م)، *البيان فی مذهب الإمام الشافعی*، المحقق: قاسم محمد النوری، الطبعة الأولى، جدة: دارالمنهاج.
۳۰. غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۹۱)، «قدرت جنگ نرم نظم اساسی جمهوری اسلام ایران در تحقق آرمان وحدت اسلامی»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال دوم، ش ۶.
۳۱. فاضل الهندی، بهاء الدین الحسن بن محمد الأصفهانی (۱۴۰۵ق)، *كشف اللثام*، قم: مکتبه السيد المرعشی النجفی.
۳۲. فاضل موحدي لنکرانی، محمد (۱۴۲۵ق)، *جامع المسائل*، چاپ اول، قم: امیر قلم.
۳۳. قرطبی، أبو الوليد محمد بن أحمد بن محمد (۲۰۰۴)، *بدایة المجتهد ونهاية المقتصد*، القاهرة: دار الحديث.
۳۴. القشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن (بی تا)، *المسند الصحيح المختصر*، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۵. قلعه چی، محمد رواس و حامد صادق، قنبری (۱۴۰۸ق)، *معجم لغة الفقهاء*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۶. کرکی (محقق)، نورالدین علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم: گروه پژوهش مؤسسه نشر آل بیت علیه السلام.
۳۷. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۸. ماوردی، أبو الحسن علی بن محمد بن محمد بن حبیب البصری البغدادی (۱۴۱۹ق)، *الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام*، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۹. مالکی، محمد بن عبد الله الخرشی (بی تا)، *شرح مختصر خليل للخرشي*، بیروت: دارالفکر للطباعة.
۴۰. المجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۴۱. مجمع من المؤلفین (۱۴۲۷-۱۴۰۴ق)، *الموسوعة الفقهية الكويتية*، کویت: وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية.
۴۲. محمدی بلبان آباد، فراست و امیر حمزه، سالارزایی (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی تأثیر اختلاف دارین برفسخ نکاح از منظر فقه فریقین»، *مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، دوره ۱۰، ش ۱۹، پاییز و زمستان.

۴۳. مرداوی، علاء الدین أبو الحسن علی بن سلیمان (بی تا)، *الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف*، بیروت: نشر دار إحياء التراث العربی.

۴۴. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱)، *الفقه علی المذاهب الخمسه*، بیروت: دارالجواد.

۴۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۹ق)، *توضیح المسائل*، قم: مدرسه الإمام علی بن ابیطالب علیه السلام.

۴۶. المکی العاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۲ق)، *الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية*، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

۴۷. _____ (۱۴۱۳)، *مسالك الأفهام*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.

۴۸. نجفی، محمد حسن (۱۳۷۴)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، تهران: المكتبة الإسلامية.

